

وضعیت اقتصادی کشور

سر در لاک درون نگری

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با دکتر یحیی آل اسحاق، رییس اتاق بازرگانی تهران



مورد شرکت‌های تحت واگذاری مناسب نیست و نمی‌تواند در تأمین اهداف این اصل قانون اساسی مفید باشد. در این راستا و با توجه به این که لازمه رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، انجام سرمایه‌گذاری‌های گسترده داخلی و خارجی است، می‌توان نیازهای اولیه تحقق چنین سرمایه‌گذاری‌هایی را در تأمین منابع، نیروی انسانی، بازار، بهره‌وری و تکنولوژی دانست.

تقدیر ایران: تحلیل حضرت‌عالی از فرایند جذب

سرمایه‌های خارجی در کشور چیست؟

نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه کرد این است که برای دستیابی به حداقل اهداف تعیین شده در اسناد ملی و فراملی، باید سالانه ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید را جذب بازارهای داخلی کنیم. حال سؤال اساسی این است که منبع مورد نیاز این سرمایه‌گذاری‌ها از چه طریقی باید تأمین شود؟ پاسخ این سؤال، جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. حال با توجه به موقعیت اقتصادی و جغرافیایی ایران و همچنین وجود ظرفیت‌های بالا، می‌توان با اطمینان گفت که ایران قدرت بالقوه بسیار زیادی در جذب سرمایه‌های خارجی دارد. مهمترین عاملی که مانع جذب این سرمایه‌ها شده، عدم وجود نظام هماهنگ مدیریتی است. برای دستیابی به این عامل مهم، ابتدا باید زمینه‌های رشد و توسعه فضای کسب‌وکار در کشور و حل مشکلات و مسایل موجود در آن را فراهم نماییم، چراکه در صورت ایجاد یک فضای کسب‌وکار مناسب می‌توان به اهداف مذکور دست یافت. اولین نکته‌ای که در این مورد باید به آن اشاره کرد، وجود یک نگرش درون‌نگر به جای نگرش برون‌نگر در اقتصاد کشور ما است. در واقع متأسفانه در ایران به جای اقتصاد باز، یک نگرش اقتصادی بسته وجود دارد که خصوصیت مهم آن، اتکای صرف به بازارهای داخلی کشور است، در حالی که امروزه محصولات تولیدی، بر اساس نیازهای جهانی امروز و بازارهای کشورهای مختلف و همچنین با توجه ویژه به کیفیتی تولید می‌شوند که بتواند در رقابت با کالاهای خارجی موفقیت‌های بزرگ کسب نماید.

متأسفانه در کشور ما به جای توجه به توسعه صادرات، تأکید بر سیاست جایگزینی واردات بوده است. سیاست توسعه صادرات می‌تواند باعث ایجاد ارزش افزوده، اشتغال، تولید، بهره‌وری، نشاط اقتصادی و رشد پایدار شود.

تقدیر ایران: بحران جهانی را تا چه حد در شرایط

کنونی اقتصاد کشور مؤثر می‌دانید؟

در حال حاضر، بحران جهانی که یک تهدید برای

از بُعد تئوریک، هدر رفتن بخش قابل توجهی از منابع و سرمایه‌های کشور است؛ هرچند بعد از گذشت ۲۰ سال، با وجود سند چشم‌انداز و اصل ۴۴ حرکت‌های بسیار خوب و مثبتی صورت گرفته است.

تقدیر ایران: وضعیت کنونی اجرای اصل ۴۴ و

خصوصی‌سازی صورت گرفته را چگونه ارزیابی

می‌فرمایید؟

حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از اقتصاد ایران با نظام اداری و حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد باقی‌مانده با نظام مدیریتی خصوصی اداره می‌شود. حال با فرض این که نظام دولتی و اداری فاقد بهره‌وری لازم است - یعنی حدود ۸۰ درصد از اقتصادمان بهره‌وری لازم را ندارد - پس باید در جهت کاهش سهم بخش دولتی و افزایش سهم بخش خصوصی حرکت کرد. نکته مهم در اینجا این است که با توجه به وضعیت کنونی کشور، این اقدام - یعنی خصوصی‌سازی - جوابگو نخواهد بود. بر اساس مدارک موجود، حجم سرمایه دولتی که بایستی به بخش خصوصی واگذار شوند، حدود ۱۵۰ میلیارد دلار است، در صورتی که طی چهار سال گذشته، تنها حدود ۳۷ میلیارد دلار در این راه هزینه شده که این رقم ۲۵ درصد کل اعتبار مورد نظر برنامه در جهت خصوصی‌سازی بوده است. لذا با توجه به مسایلی که عنوان می‌شود، اولاً میزان و حجم واگذاری‌ها و همچنین سیاست اتخاذی در

تقدیر ایران: نگاه جناب‌عالی به وضعیت کنونی شرایط

اقتصادی کشور چگونه است؟

کشور ما از لحاظ اقتصادی دارای پتانسیل‌های بالقوه بسیاری در زمینه قابلیت‌ها و توانایی‌های اقتصادی است که متأسفانه هیچ تناسبی بین این توانایی‌ها و وضعیت حال حاضر کشور وجود ندارد. به عنوان مثال، میزان کنونی سهم ایران از رشد اقتصادی جهان و یا تجارت بین‌الملل، با آنچه که می‌توانست به صورت بالقوه باشد تفاوت چشم‌گیری دارد. کشور ما از نظر منابع انسانی یک کشور غنی محسوب می‌شود. درصد بالای جمعیت جوان و همچنین وجود بیش از ۵ میلیون نفر تحصیل‌کرده دانشگاهی در کشور، یک ظرفیت بالایی برای ما ایجاد کرده که نتیجه آن عدم وجود کسری در زمینه نیروی انسانی است. از نظر منابع جغرافیایی هم در یکی از بهترین مناطق دنیا قرار داریم و وجود ذخایر انرژی گسترده نفت و گاز در کشور، یک موقعیت ویژه اقتصادی را برای ما فراهم آورده است. از طرف دیگر با اشاره به سابقه تاریخی و نژادی ایران و مسایل فرهنگی و سیاسی که این روزها از اهمیت زیادی برخوردار هستند، می‌توان این موضوع را با اطمینان بیشتری عنوان کرد که ما با جایگاه واقعی خود فاصله زیادی داریم.

این که ما در حوزه اقتصادی نتوانستیم به آن پتانسیل تئوریک دست یابیم، دلایل متعددی دارد که یکی از آنها

پرونده هسته‌ای ایران در دستور کار

فرصتی برای دیپلماسی

تحلیل «اقتصاد ایران» از پرونده هسته‌ای ایران و تحولات سازمان انرژی اتمی

در نشست ماه گذشته اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، یوکیا آمانو با کسب ۲۳ رأی از ۳۵ رأی اعضای این شورا، جانشین محمد البرادعی شد تا بدین ترتیب، دوران حضور ۱۲ ساله البرادعی در سمت دبیر کلی آژانس به پایان برسد. به گزارش ماهنامه «اقتصاد ایران»، پرونده هسته‌ای ایران به طور جدی از سال ۲۰۰۳ در دستور کار آژانس قرار گرفت و با حساسیت‌هایی که در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران به وجود آمده بود، در ژوئن ۲۰۰۳ پرونده هسته‌ای ایران برای اولین بار در شورای حکام انرژی اتمی مطرح شد. البرادعی اولین گزارش خود را در همین مقطع ارائه کرد. وی در بخشی از گزارش خود اعلام کرد: اگرچه ایران نتوانسته گزارش دقیقی از موارد هسته‌ای و فعالیت‌هایش ارائه دهد، ولی مقامات ایران گام‌های اصلاح‌کننده‌ای برداشته‌اند. از این زمان به بعد، پرونده هسته‌ای ایران به جریان افتاد و با وجود همه تحولات صورت گرفته و اقدامات ایران - از پذیرش پروتکل الحاقی و تعلیق غنی‌سازی اورانیوم گرفته تا بازرسی‌ها و مذاکرات مکرر - سلسله گزارش‌های دو پهلوی آقای مدیر کل ادامه یافت و آخرین گزارش وی هم که در ۱۶ خرداد منتشر شد، از این قاعده مستثنا نبود. در واقع به استناد بندهای جهت‌دار و مبهم گزارش‌های وی است که پرونده هسته‌ای ایران حدود ۶ سال مفتوح باقی‌مانده و گزارش اخیر وی نیز به نوعی توپ را در زمین آمانو انداخته است. با این وجود، نمی‌توان منکر بخش‌های مثبت عملکرد البرادعی از جمله تأیید عدم انحراف ایران به سمت ساخت سلاح هسته‌ای و اعلام حل و فصل بسیاری از ابهامات شد. در حقیقت با توجه به تأثیر پارامترهای سیاسی بر فعالیت‌های آژانس و نفوذ نسبی کشورهای غربی، بیش از این هم از البرادعی انتظار نمی‌رفت. با این همه، خروج پرونده ایران از مجرای حقوقی و قانونی و ارجاع آن به شورای امنیت - که ۴ قطعنامه را علیه ایران به دنبال داشت - تا حدود زیادی عملکرد وی را تحت‌الشعاع خود قرار داد و استقلال آژانس را زیر سؤال برد.

فرصتی برای اعتمادسازی متقابل

اجلاس سران ۸ کشور صنعتی موسوم به G8



کشورهای دنیا محسوب می‌شود، برای کشورها یک فرصت ویژه است. اگر ما بتوانیم به فضای کسب‌وکار ایران رونق بدهیم، بسیاری از سرمایه‌هایی که در دنیا به صورت راکد مانده‌اند و یا سرمایه‌گذارانی که به دنبال موقعیت مناسب برای سرمایه‌گذاری هستند، وارد کشور ما خواهند شد. کما این که ترکیه هم سعی در اجرای همین سیاست دارد و در واقع این کشور با ایجاد یک فضای مناسب کسب‌وکار، اقدام به جذب سرمایه‌های کشورهای دیگر کرده است. نکته پُراهمیت آن است که ظرفیت کشور ما به مراتب بیشتر از ترکیه است و لازم است در این زمینه سیاست‌های درستی اتخاذ شود.

تقدیر ایران: نقش دولت و سیاست‌های دولت را در معادلات اقتصادی کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آنچه که توجه به آن در جهت رفع مسایل فضای کسب‌وکار و به تبع آن اقتصاد کشور نقش مهمی دارد این است که بدانیم اقتصاد از جنس فرماندهی و دستوری نیست. به عنوان مثال در اقتصاد نمی‌توان قیمت‌ها را به طور دستوری پایین آورد و یا با دستور، بهره‌وری را بالا برد. جنس اقتصاد از نوع مدیریت و مشارکت است. از طرفی در اقتصاد، علاوه بر مشارکت افراد باید رقابت نیز وجود داشته باشد. در حالت کلی، اقتصاد کشور ما دچار سه مشکل بزرگ است: نفت‌زدگی، انحصارزدگی و سیاست‌زدگی که در این میان باید به این نکته اشاره کرد که وجود انحصار در اقتصاد باعث اضمحلال می‌شود نه رشد اقتصادی؛ کما این که سیاست‌زدگی اقتصاد کشور در سال‌های اخیر، بسیاری از اهداف اقتصادی را نشانه رفته است. باید به این نکته رسید که حوزه اقتصاد، مباحثی را همچون درآمد، سود، تولید و ثروت شامل می‌شود، اما سیاست، حوزه قدرت است؛ این دو مقوله بسیار مهم با هم در ارتباط هستند ولی نکته مهم این است که نباید این دو با هم مخلوط شوند.

تقدیر ایران: متشکریم. ■

با این حال، نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه در پایان این نشست اعلام کرد که ۸ کشور صنعتی تا ماه سپتامبر به ایران مهلت خواهند داد تا مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای را پذیرفته و یا در غیر این صورت، تحریم‌های جدیدی را برای ایران در نظر بگیرند. اما آنچه بیش از هر چیز در اجلاس گروه ۸ نمایان بود، وجود اختلاف نظرهای متعدد بین اعضا و همچنین تناقضات گفتاری و رفتاری آنها بود. به تحلیل ماهنامه «اقتصاد ایران»، عدم اطمینان غرب نسبت به شرایط آینده حاکم بر ایران، مشکلات روز افزون آمریکا در افغانستان، اختلاف نظر بین روسیه و آمریکا بر سر موضوعاتی چون استقرار سپر دفاع موشکی در خاک لهستان و گسترش ناتو به شرق، بحران مالی حاکم بر همه کشورهای صنعتی و نگرانی از ریسک‌های سیاسی و اقتصادی محتمل، اعضای G8 را بر آن داشت که هرگونه تصمیم‌گیری را در مورد ایران به آینده موکول کنند؛ به ویژه آن که ایران نیز اهرم‌های لازم را برای مقابله با اقدامات کشورهای غربی دارد. نکته مهم دیگر، سیاست‌های دولت آمریکا در قبال ایران است. مسلماً هرگونه تحریم ایران، راه را برای گفت‌وگوی مستقیم آمریکا با ایران - به عنوان یکی از شعارهای اصلی اوباما مبنی بر تغییر - می‌بندد و طبیعی است که آمریکا حداقل در مقطع فعلی، تمایل چندانی به استفاده از ادبیات تحکم آمیز علیه ایران نداشته باشد. بر همین اساس است که عملاً سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه در نقش کارپرداز آمریکا ظاهر شده و مسؤولیت تهدید و ازرعاب ایران را بر عهده گرفته‌اند. حال آن که بازیگران اصلی، ایران و آمریکا هستند و حاصل هر اقدامی علیه ایران، چیزی جز باخت برای کشورهای اروپایی به همراه نخواهد داشت.